

## نامه ها

**سپاس، پیشنهاد و گلابه**  
شماره پنجم مجله آینه پژوهش را که دریافت و مطالعه کردم، به این فکر افتادم ضمن تشکر از مدیران مجله، مطالبی را عرض کنم. شاید در سیر تکاملی این نشریه وزن، در آستانه سال دوم آن سردمند باشد.

سالهای اولی که به حوزه علمیه قم مشرف شدیم، مجله راهنمای کتاب از نشریاتی بود که محققان و نویسندگان را به خود جلب کرده و برای دریافت شماره های جدید آن روز شماری می کردند. ولی متأسفانه محدوده و محموله آن مجله جز در موارد بسیار اندک، با حوزه و کارهای حرزوی ارتباطی نداشت. از این رو شاید یکی از آرزوها، انتشار مجله ای مانند آن، در ارتباط با حوزه های علمیه بود. سپاس خدای را که این مهم، در سایه امکانات جمهوری اسلامی به همت شما جامعه عمل پوشید.

تأسیس و اداره چنین مجله ای، به ویژه توسط کسانی که به حکم جوان بودن، سابقه طولانی در این قبیل کارها نداشته اند، برای برخی، کاری نزدیک به محال تصور می شد و فکر می کردند در همان شماره های اول و دوم، این ماشین پر سر و صدا متوقف می شود و یا در جامی زند؛ اما به عنایات صاحب حوزه و جدیت و پشتکار شما، مجله سیر تکاملی داشته و دارد. نامه های تقریب دانشمندان و محققان که

یکی پس از دیگری می رسند و زیارت می شود، گواه صدق این مطلب است. بنده هم به نوبه خود این موفقیت را به دوستان تبریک می گویم و سپاس می گزارم.

از امتیازات مهمی که مجلات قم و همه حوزه های علمیه باید داشته باشد، این است که دانشگاههای کشور و حتی خارج از کشور را هم زیر پوشش بگیرد و دانشگاهیان عزیز را به خود جذب و جلب کند. فقدان این خصیصه، به نظر بنده نقصی است غیر قابل چشم پوشی. بحمدالله و منته نشریه شما این امتیاز را تا حدی واجد است؛ شکرالله مساعیکم. به امید پیشرفت بیشتر در این بعد بسیار مهم.

کم نیستند کسانی که از روی ناآگاهی و یا خدای نخواستہ غرض ورزی، در محافل و مجالس، اینجا و آنجا، تا از قم و حوزه علمیه صحبت می شود، می گویند که متأسفانه در حوزه چیزی به چشم نمی خورد، مشغول خواندن و تدریس کتابهای مربوط به چند سده پیش هستند و مکررات را تکرار، و احیاناً نوشته ها را بازنویسی می نمایند. فراموش نمی کنم در محفلی با حضور علامه بزرگوار طباطبائی - رضوان الله علیه - و افرادی چون مرحوم آیت الله شهید مطهری، گرینده ای از دانشگاهیان، به ظاهر از باب دلسوزی گفته بود که حوزه ها، به بحثهای حیض و نفاس اشتغال دارند. با اینکه در همان زمان، علامه طباطبائی و شاگردانش، به جد، مشغول مهمترین کارهای علمی - فرهنگی بودند و آیت الله العظمی بروجردی و امام خمینی و دیگران هم به تربیت مجتهدین و فقها اشتغال داشتند.

برای پاسخ منطقی و عینی به این قبیل اشخاص و این گونه برداشتهای اشتباه از

محتوای حوزه، مجله ای لازم بود که قم و حوزه های علمیه و کارهای علمی - فرهنگی آنها را به صورتی گریا مطرح سازد. هدف آینه پژوهش نیز همین است. از ارواح پاک معصومین - علیهم السلام - خواستاریم که با عنایاتشان، شما را در این راه، مستقیم و پایدار بدارد.

از برکات نشریه های هر حوزه این است که برای طلاب و دانشجویان مستعد، زمینه کارهای تحقیقی، و نیز توانا شدن در نویسندگی را آماده می سازد؛ اما به نظر می رسد آینه پژوهش در این راه بیشتر مؤثر افتد. زیرا مدیران جوان کم ادعای آن، حتماً با جوانان بیشتر جوش می خورند. توفیق روز افزونشان را در راه پرورش دانشجویان و طلاب خواستارم.

همان طور که در آغاز شماره اول توضیح داده بودید، محتوای مجله، چهارچوب مشخصی دارد و نباید به هیچ وجه از آن محدوده خارج شود. بحمدالله تا این شماره که ملاحظه شد، نشی ترسیم شده، به خوبی پیگیری، و از مسیر اصلی، انحرافی پیش نیامده است. امیدواریم این راه همین طور ادامه یابد و توجه داشته باشیم که با تمایل شدن از هدف اصلی به برخی از خواسته های شخصی، و یا استفاده کردن از این نشریه برای پیشبرد برخی اهداف دیگر، کم کم علاقه مندان اصیل و اهل تشخیص را از دست می دهیم.

سلیقه ها مختلف است؛ بنده اگر جای دوستان بودم، حتماً در هر شماره ای، مطلبی که بعد آموزش تدین هم داشته باشد، می گذاشتم تا مجله برای خوانندگان ضمناً آموزنده تدین و اخلاق هم باشد. مقصودم این نیست که مثلاً رساله ای از فلان نویسنده بیگانه از اهل بیت طهارت - سلام الله علیهم

فقط به خاطر اینکه تا حال چاپ نشده و یا اسم عرفان دارد، تصحیح و چاپ گردد. بلکه مقاله یا رساله ای باشد که در حد قابل توجهی بتواند در عموم خوانندگان، به ویژه محققان و نویسندگان اثر دیانتی بگذارد و آنان را به اهل بیت و مکتبشان نزدیکتر سازد؛ که همه برکات، مولود تدبیر یک ملت و همه بدبختیها هم زاینده بی دینی و لایبالیگری است. خداوند ما و شما را حفظ فرماید.

این بود سپاسگزاری صمیمانه و ساده؛ گرچه عبارات آن ممکن است به نظر برخی از ناقدین، اشکالات املائی و انشائی داشته باشد.

و اما پیشتر... به نظر می رسد که از میان همه مطالب مجله، «نقدها» اگر مهمترین نباشد، حتماً از مهمترین است. از این رو باید بهای بیشتری به آن داد و برای پر محتوا شدن و کم نقصتر شدن آن، و حتی شیوه صحیح و کامل آن از نظر کسانی که می توانند در این جهت کمک کنند، بهره گرفت.

بنده فکر می کنم که نقد کتاب، نقد تحقیق یک اثر، نقد فهرستهای یک تألیف و نقد چاپ آن، کاملاً از هم جدا هستند. در قسم اول، ناقد باید مطالبی له و علیه محتوای کتاب عرضه کند، و در قسم دوم باید از کم و کیف کار محقق آن اثر بحث کند و در قسم سوم و چهارم که در خیلی از موارد هیچ ربطی به مؤلف و محقق ندارد، صحبت از کاری است که اصطلاحاً به آن کار علمی گفته نمی شود و آنچه می تواند ارزش علمی داشته باشد، کار اول و دوم است نه کار سوم و چهارم. بلکه گاهی از تقاطع ضعف و قوت سوم و چهارم صحبت به میان آوردن، و خواه و ناخواه به حساب

مؤلف و محقق گذاردن، تمجید بی جا از سویی، و اهانت ناآگاهانه از سوی دیگر است.

مثلاً کتاب کشف المراد علامه حلّی به تصحیح و تحقیق آیت الله حسن زاده آملی که در همین مجله در موردش چنین اظهار نظر شده است: «استادان و دانش پژوهان اینک باید خرسند باشند که با توجه به باریک بینیها و دقتهای استاد در امر تصحیح - که نمونه ای از آن را در تصحیح کشف المراد دیده اند... اگر ناقدی بخواهد این اثر را نقد نماید و در نقد خود فهرستی از غلطهای چاپی آن را (که متأسفانه هنگام تدریس این کتاب معلوم شده است که بی غلط و یا کم غلط هم نیست) ارائه دهد، به نظر حقیر ناآگاهانه به این محقق و استاد ارجمند اهانت کرده است. زیرا غلطهای چاپی، مولود عدم دقت مصححان چاپخانه است و به استاد چه ربطی دارد. و در مقابل اگر در معرفی اثری دیگر بی غلط بودن آن را که مولود کوششها و دقتهای مصحح چاپخانه است، وسیله و بهانه تمجید از مؤلف قرار دهیم، بی جا تمجید شده است.

حتی اگر شرائط اشخاص در نظر گرفته نشود، احیاناً قضاوتها، غیر عادلانه خواهد بود. حقیر برای تصحیح دو جلد جواهر که سالها پیش انجام داده ام، رنجها برده ام. روش کار ما آن روز چنین بود که مطالب تصحیح شده را برای ناشر می فرستادیم و آنجا زیر نظر عالمی بزرگوار و سیدی عالیقدر چاپ می شد. فرمهای چاپ شده را که می دیدیم، کاملاً راضی بودیم، در اثناء متوجه شدیم که چند فرم از کتاب پر از غلط چاپ شده است. بعد از تماس با آن عالم جلیل و گله کردن از این

وضع، پاسخ داد: (دقت کنید) بنده به حج مشرف شدم تا در مراجعت کار را ادامه دهم؛ ولی ناشر به خاطر اینکه چاپخانه اش لنگ نشود، صبر نکرده و زیر نظر دیگری چند فرم را این طور مغلوط به چاپ رسانده است. شما این مطلب را با سخن حضرت آقای دکتر گرجی - دامت افساداته - که در همین مجله آمده است مقایسه کنید: گاهی برای شکل و یا اهراب یک کلمه روزهایی فرم را معطل گذاشته ام. آیا انصاف است که کسی آن جلد جواهر را نقد کند و در نقد خود یک غلطنامه دو صفحه ای تنظیم و مصحح اصلی را زیر سؤال برد و در مورد دوم، آن امکانات وسیع را نادیده بگیرد؟

و همین طور موضوع فهرستها و تنظیم آن به نظر بنده گاهی مورد سوء استفاده می شود و بود و نبود آن بهانه کورچک جلوه دادن کار و یا مبالغه در قدردانی می شود. مثلاً می بینیم یک جزوه چند فرمی توسط یک محقق با تنظیم فهرستها و غیره، کتابی حجیم شده و توسط یکی از نهادها یا شبه نهادها، با حق التألیف مناسب چاپ می شود و مورد تحسین قرار می گیرد. در مقابل، محقق دیگر در اثر عدم موافقت ناشر، از تنظیم فهرستها صرف نظر می کند، و گاهی پس از تنظیم، از چاپ آن خوداری می شود، و ناقدی بی اطلاع کار دوم را تحقیر می نماید. باز بد نیست از خورد بگویم: فهرست نسخه های خطی مدرسه فیضیه توسط بنده و فهرست نسخه های خطی کتابخانه آستانه قم توسط استاد دانش پژوه در یک زمان تهیه می شد و هر دو چاپ گردید. قطعاً رنجی که در فهرست فیضیه برده شد دهها برابر زحمت فهرست آستانه بود، اما چاپها را با هم مقایسه کنید: یکی پر از عکس، کاغذ گلاسه، چاپ و

جلد زیبا، حق التالیف مناسب چاپ آن با بودجه آستانه مقدسه؛ و دیگری بدون حتی یک عکس از یک نسخه، و چاپ نا همگون، و جلد معمولی و از نظر حق التالیف هم به معنی واقعی کلمه، مجانی، و برای انجام چاپ هم از این و آن استمداد خواستن، حال اگر کسی این دو کتاب را معرفی و اوکی را به خاطر چاپ و شکل و داشتن عکس صفحاتی از نسخه ها و... تمجید، و دومی را به باد انتقاد بگیرد، جز بی انصافی نام دیگر ندارد.

پیشنهاد حقیر این است که مجله نقدهایی را به چاپ رساند که یا بر محتوای کتاب، و یا کار محقق را بررسی کرده باشد، و در این دو محدوده هم حرفی قابل ذکر داشته باشند؛ نه اینکه صفحاتی را با مطالب جزئی و پیش پا افتاده پر کنند و به عبارت شما، یک فرهیخته سختکوش را بی جهت زیر سؤال برده و ناآگاهانه تحقیر نمایند.

اگر بنا باشد در مطلب جزئی ر غلط چاپی و نظایر آن به نام نقد ارائه شود، حتماً هر شماره از مجله آینه پژوهش، و هر نقدی از نقدهای چاپ شده در آن، می تواند نقدی مفصل داشته باشد.

مثلاً در شماره اول خواندم که حضرت جعفریان - دامت افاضاته - مرقوم داشته اند: «مؤلف تبصرة العوام مشخص نیست» اما در مقاله ای که حدود سی سال پیش حضرت دانش پژوه با عنوان کتابشناسی فرق و ادیان نوشته و در فرهنگ ایران زمین چاپ شده ادعا این است که مؤلف را شناخته اند و گویا جناب جعفریان آن مقاله را ندیده اند.

باز در همین مقاله خواندم: «ترجمه ملل و نحل با عنوان توضیح الملل منتشر شده است». در صورتی که گویند ملل و

نحل، چهار ترجمه فارسی دارد که دومی آن هم به تصحیح آقای جلالی نائینی چاپ شده و در اختیار است.

در شماره دوم مجله خواندم که عزیزی چنین اظهار داشته «غایة المراد یک دوره کامل فقه است گرچه شامل همه مسائل تمامی ابواب فقه نیست». در صورتی که شرح نکته های ارشاد نمی تواند دوره فقه کامل باشد: ایشان باید دقیقاً بررسی کند که آیا شهید - رضوان الله علیه - حتی یک پنجم مسائل ارشاد را شرح کرده است یا نه؟ و نیز فرموده اند «جالب است بدانیم نخستین کتابی که در کتاب عظیم مفتاح الکرامه از آن مطلب نقل شده غایة المراد است».

بنده هر چه فکر می کنم، می بینم این موضوع هیچ امتیازی به حساب نمی آید؛ مگر اینکه کسی قائل باشد که ترتب مراتب و اهمیت کتابها، به ترتیب ذکر آنهاست!!

در شماره پنجم حضرت مختاری - دامت توفیقاته - نوشته اند «برخی معتقدند ابن ادریس خیر از تلخیص تبیان، کتاب دیگری دارد به نام تعلیق تبیان ... بحث تفصیلی در این موضوع را «این زمان بگذار تا وقت دیگر». چون «آسوده شبی خواهد و خورش مهتابی». مناسب بود مصحح تلخیص تبیان، در مقدمه، بحث مسترفایی در این زمینه مطرح می کرد که متأسفانه چنین نکرده است. اجمالاً اشاره می کنم ...»

اگر جناب مختاری آسوده شبی هم پیدا کنند، قطعاً سخنی جز همین سخن که اینجا گفته اند، نخواهند داشت؛ مگر بنای برف انبار داشته باشیم.

مقصودم از یاد کردن این مطالب جزئی غیر قابل ذکر، این بود که با این شیوه کتابها را نقد کردن، جز وقتکشی و اشغال

صفحاتی از مجله و از همه بدتر بی جهت دانشمندی را رنجاندن، ثمری دیگر نخواهد داشت. این قبیل اشکالات را باید با صمیمیت به خود مؤلف و محقق تذکر داد تا در چاپ بعد استفاده کند و ممتون گردد؛ نه اینکه در مجله چاپ شود.

برای اینکه پیشنهادم بهتر جا بیفتد، یکی از نقدهای چاپ شده در مجله را به همان سبکی که خود نمی پسندم، بررسی می کنم تا مطلبی که مطرح کردم، خوب روشن شود:

حضرت آقای میرشریفی، تحقیق کتاب پر ارج «بناء المقالة الفاطمية فی نقض الرسالة العثمانية» را که توسط یکی از محققان مؤسسه آل البيت - دامت افاضاته - انجام شده، نقد کرده و آن را دارای بیست و هفت اشکال دانسته اند.

با یکی - دو بار مرور و مطالعه به این نتیجه رسیدم که بسیاری اشکالها جزئی، و در بقیه که تا حدی می تواند قابل عرضه باشد، متأسفانه یا خوشبختانه در مهجرتین آنها، ناقد محترم راه خطا را پیموده است. در آغاز اشکالات جزئی را با علامت س و توضیح خود را - به نیابت از محقق که شاید احیاناً توجیه بما لا یرضاه هم باشد - با علامت ج یاد می نمایم:

۱ - س: چرا با اینکه در هشت مورد در افزودن هشت کلمه برای اصلاح عبارت از چاپ آقای دکتر سامرائی پیروی کرده اید نامی از آن چاپ نبرده اید؟

ج: احتمال بدهید که محقق، آن قدرها هم ضعیف نبوده که خود به لزوم افزودن چند کلمه از قبیل هو، هم، انا، فی پی نبرد و این کشف عظیم را از دکتر سامرائی گرفته و به نام خود جازده باشد. و اما یاد نکردن چاپ دکتر سامرائی، شاید به

خاطر بی لطفیهای او در مورد اهل بیت بوده که اگر کار او یاد می شد، لازم بود توأم با انتقاد و بدگویی باشد و محقق از این کار، به عدم ذکر اکتفا نموده است.

۲- س: با اینکه نقض اسکافی دو بار چاپ شده چرا شما از یک چاپ فقط یاد کردید؟

ج: چون آن را ندیده بودم و نخواستم بی اطلاع به پیروی از معجم مطبوعات یا مقدمه سامرائی، چیزی گفته باشم.

۳- س: چرا از رد عثمانیه شیخ مفید نامی نیاورده اید؟

ج: برای اینکه در رجـال نجاشی (تصحیح آیت الله شبیری) آمده است: «کتاب الرد علی الجاحظ العثمانیه» نه «کتاب الرد علی العثمانیه للجاحظ». اگر یاد می کردم، شاید ناقد دیگری یاد کردن آن را ایراد می گرفت.

۴- س: چرا کتاب از اول تا آخر حتی یک عنوان و سرفصل ندارد که این نقص محسوب می شود.

ج: چون مؤلف -رحمة الله علیه- این کار را نکرده بود، و افزودن سرفصل و تیترو چیزهایی از این قبیل، به نظر برخی از صاحب نظران، تصرف بیجا در تألیف دیگران است. ما برای سهل الوصول بودن مطالب، عناوین لازم را در سر صفحه ها گذاشته ایم.

۵- س: چرا در برخی صفحه ها، تسمه آیات را در پاورقی آورده اید؟

ج: این کارچه ضروری دارد تا اشکال به حساب آید.

۶- س: در پاورقی شماره یک صفحه ۴۴۳ گفته شده: «الی هنا تمت النسخة ن. اما در پاورقی صفحه ۴۵۰ (یعنی صفحه آخر کتاب گفته شده: «ن: نبی»

معنایش این است که نسخه ن تا اینجا هست، این دو با هم سازگار نیست.

ج: احتمال بدهید «ن: نبی» «ق: نبی» باشد و «ق» به غلط «ن» چاپ شده است و نسخه ق تا آخر را دارد.

۷- س: در پاورقی شماره ۲، شرح حال عبدالکریم بن طاووس آمده که تکراری است:

ج: پس از نوشتن این پاورقی و صفحه بندی آن، مقدمه تنظیم و صفحه بندی شد و حذف آن مشکل بود.

۸- س: چرا عمرو را با او نوشته اید؟

ج: پوزش می طلبیم. این مرادری بود که به پیشنهاد بنده در نقد علمی، یاد کردن آنها بیجاست و پاسخهای بنده هم احیانا برای شیرینی بحث، جنبه مزاح داشت. (البته نه در تمام موارد)

اما موارد قابل ذکر که خیلی معدود و محدود است، و متأسفانه در قسمتی از آنها که از مهمترین موارد نقد بوده، ناقد محترم اشتباه کرده است:

۱- در صفحه ۲۰ مجله، ناقد عبارتی را از محقق کتاب درباره عبدالکریم بن طاووس نقل کرده و سپس این طور نوشته است: «این سخن که سید عبدالکریم بن طاووس در چهار سالگی مطلقا از استاد و درس بی نیاز شد، اشتباه است».

از ناقد می پرسیم از کجای عبارت محقق، این سخن را استفاده کرده اید.

محقق فقط عبارت ابن داود را نقل، و به احتمال قوی ایشان هم همان طور که شما معنی کرده اید، به ذهنش آمده است.

۲- در صفحه ۲۱ مجله، ناقد می گوید در این عبارت: «فلو صنعت کتابی الفقه يعمل بعدی علیها کان ذلک نقضا

لتورمی عن الفتوی و دخولا تحت حظر الآية المشار إليها (ولو تقول علينا بعض الاقوال ...). کلمه حظر نادرست، و خطر درست است. زیرا اگر مفهوم آیه (ولو تقول ...) حظر بود، اجتنهاد حرام و ممنوع بود.

عرض می شود: مگر اجتنهاد و فتوا دادن، تقول علی الله است که به حکم آیه، حرام و ممنوع باشد. مقصود این طاووس این است که شاید اجتنهاد و استنباطم، اشتباه باشد و ناگاهانه تقول علی الله گردد و تقول علی الله، محذور است و یا خطرناک، و هر دو صحیح است.

اکنون به اصل مقاله حضرت آقای میرشریفی می پردازم و به همان سبک که خرد نمی پسندم، مطالبی را یادآور می شوم:

۱- در صفحه ۱۱ مرقوم داشته اند: «عباسیان با طرفداری صوری از علویان پیروان آنان را سرکوب، و با سرگرم ساختن علماء و دانشمندان به بحثهای حاشیه ای عقاید و کلام و مجادله و گاه منازعه آنان را از پرداختن به مسائل اساسی و سرنوشت ساز زعامت و خلافت باز داشته بردند».

بار دیگر همین عبارت را بخوانید و ببینید درباره محیط علمی و بحثهای علمی آن روزگار که یک بعد گسترده اش توسط امام باقر و امام صادق -علیهما السلام- اداره شد، چگونه داوری کرده اید، آیا آنها را هم سرگرم کرده بودند؟!!

۲- در صفحه ۱۳ نوشته اند: «نامی از فرقه عثمانیه در کتابهای فرق و مذاهب نیامده است».

دکتر مشکور در کتاب فرهنگ فرق اسلامی عثمانیه را یاد کرده است. حتما

مقصود ایشان کتابهای فرق و مذاهب قدیمی است و بنابراین عبارتشان قاصر است و نیز معلوم نیست در کتب قدیمی هم یاد نشده باشند.

۳- به محقق بنام مقاله اشکال کرده اند که چرا طاووس را گاهی با دو واو و گاهی با یک واو نوشته اید؟

عرض می کنم همین مقاله شما به همین سرنوشت گرفتار شده است. بخوانید و عبرت بگیرید.

۴- در صفحه ۱۵ نوشته اند: جا حظ که مردی هرهری مذهب بود ... سپس مرقوم داشته اند: هنگامی که مطلع شد اسکافی عثمانیه او را نقض کرده بسیار ناراحت شد. با این حال چگونه می توان پذیرفت که خود، رد بر عثمانیه خود نگاشته باشد.

عرض می کنم: خودتان فرمودید هرهری مذهب بود؛ یعنی یک روز از یک سخن و تألیف ناراحت می شد. روز دیگر برای جهات مادی همان سخن را خورد می گفت.

۵- در ص ۱۷ نوشته اند: باری اهمیت کتاب ابن طاووس از این جهت است که ردهایی که بر عثمانیه نوشته شده در دست نیست.

عرض می کنم: به چه اطمینانی رد دیگران را بر رد او ترجیح داده اید؟ شما که فقط بندهایی از رد اسکافی را شاید دیده باشید؛ آیا این داوری بی احترامی به آن عالم بزرگوار تلقی نمی گردد.

۶- در صفحه ۱۶ نوشته اند: با نقضی که اسکافی بر عثمانیه نوشت، نیازی به نقض دیگر نبود.

آیا این عبارت ابهام نمی کند که افرادی چون شیخ مفید با نوشتن نقض عثمانیه

کاری لغو کرده اند؛ وانگهی پس از چند سطر می گویند: بی شک نقض شیخ مفید و مسعودی بسیار مفید و سودمند بوده است. تناقض صدر و ذیل که شنیده اید، همین است. (البته خودم توجیه این عبارت را می دانم ولی اکنون به همان سبک که خود نمی پسندم، بررسی می نمایم.)

۷- در صفحه ۱۷ مرقوم داشته اند: نقض عظیم المرتبه و عظیم الرتبه اسکافی. بهتر نبود که فارسی این عبارت را می آورند تا معنی جمله دوم بخصوص روشن شود؟

۸- در صفحه ۲۵ در پاورقی شماره ۳۴ این عبارت از شیخ مفید نقل شده: «اما الامویة و العثمانیة فسبب جحودهم لفضائل امیر المؤمنین علیه السلام معروف و هو الحرص لدولتهم و المعصیة لملوکهم». و سپس گفته شده شیخ مفید در این عبارت، به اینکه این گونه کتابهای فرقه عثمانیه دست پرورده سیاست و حکام جور است، تصریح دارد.

عرض می کنم: کجای عبارت به این مطلب تصریح دارد؟

در پایان این بخش از عریاضم، باز تکرار می کنم که این یک پیشنهاد است نه چیزی بیشتر؛ تا چه قبول افتد و چه در نظر آید. پیشنهاد این است: نقدها باید مربوط به محتوای کتاب و یا کیفیت کار علمی محقق باشد، نه بیان مطالب جزئی غیر مهم، مطالب جزئی و تزیینی باید به خود مؤلف تذکر داده شود نه اینکه در مجله چاپ گردد. اینکه در بیان پیشنهادم از نوشته دوستان خودم که بسیار به من لطف دارند شاهد آوردم از باب این است که:

اگر بسا دیگرانش بود میلی  
چرا ظرف مرا بشکست لیلی

علاقه دارم دوستانم به کارهای عمیقتری پردازند، نه این قبیل کارها که بحسبون انهم یحسبون صنعا.

از خداوند توفیق و استقامت برای خود و ایشان خواستارم.

و اما گلايه ام از مجله نیست؛ بلکه از کنترل کنندگان مطالب مجله و نیز از برخی برخوردارهاست. مثلاً:

۱- این مجله همان طور که آینه پژوهشهای حوزه است، باید آینه تمام نمای اخلاق و وقار حوزه، و نیز نمایشگر کارهای تحقیقی عمیق این مهد علم و عمل باشد. پس چرا نقضی در مجله چاپ شود که شخص نقد شده به خود جرأت دهد در پاسخ بنویسد: نگاهی به یک نقد چارواداری.

آیا این نقد و پاسخ آن موجب آبروی حوزه است یا خدای نکرده باعث وهن!

به چه مرجحی کتابی از انتشارات یک نهاد نامی حوزه مانند دفتر تبلیغات و یا نیااد مشهور دیگر مانند جامعه مدرسین مورد نقد قرار می گیرد و مؤلف و ناقد، یکدیگر را به باد مسخره می گیرند؟! آیا تصدیق نمی کنید که تصور مردم از حوزه و نهادهای حوزه و اتقان و احکام کار آنها جز این است؟

آیا صلاح است دو کتاب بازاری از این دو انتشارات را به نقد بکشیم. با اینکه همه می دانند هر ناشری کتاب بازاری معمولی هم دارد. آیا نقد و استهزاء فرق ندارند. و آیا هر کتابی سزاوار نقد، و هر نقضی سزاوار چاپ در این مجله و وزن است.

خلاصه خواهش من از مدیران مجله و چک کنندگان مقالات و نقدها این است که با دقت و عنایت بیشتر مقالات وارده را کنترل کنند و همیشه این جمله را به یاد داشته

باشند: کونوا للحوزة زینا.

بار دیگر مراتب سپاس خود را احلام و موفقیت و استقامت دوستان را از خدای منان خواستارم.

رضا استادی



با سلام و تشکر فراوان، شماره ۶ از سال اول آینه پژوهش به دستم رسید. این شماره همچون شماره های پیشین پر بار و مشحون بود از مقالات و نقدهای سودمند. در بخش پژوهشهای در آستانه نشر (ص ۶۱) گفته شده که مخطوط «تهذیب الانساب و نهایة الاعقاب» به تحقیق آقای محمد کاظم محمودی آماده چاپ شده است. در ذکر این خبر دو لغزش مشاهده می شود که ذیلاً بدانها اشاره می کند:

۱. از مؤلف «تهذیب الانساب ...» با نام «شرف الدین عبیدی» یاد شده و حال آنکه نام مؤلف آن، شیخ الشرف العبیدی است.

شیخ الشرف العبیدی از علمای مبرز نسب شناسی در قرن چهارم و پنجم هجری است. او قریب صد سال در سلک حیات بوده و یکصد جلد کتاب مختصر و مطوک در علم الانساب نگاشته است. از مؤلفات اوست کتاب «الإتصار لبني فاطمة الأبرار» ۲. گفته شده که علامه شیخ آقا بزرگ تهرانی، در اثر گرانقدرش «الذریعه» از کتاب «تهذیب الانساب ...» یاد نکرده است. این در حالی است که علامه مذکور در «الذریعه» (ماده ت، ه، ذ) به تفصیل از این کتاب و مؤلف گرانقدر آن یاد کرده است. همو می گوید: در نجف اشرف و در کتابخانه شیخ محمد جواد جزایری، نسختی از «تهذیب الانساب و نهایة الاعقاب» دیدم که در تاریخ عصر پنجشنبه

(۲۳-ج ۱- ۹۶۹) در حله و به خط محمد بن علی بن اسدالحلی استنساخ شده بود.

با احترام، سید صفر رجیبی



چند شماره از مجله وزین و تحسین برانگیز شما را خواندم و در احماق قلبم آفرینها گفتم. حوزه علمیه قم با تمام برکاتی که از خود بروز داده است، از دیر زمان چنین خلأ را در خود می دید که اکنون به وسیله شما، این خلأ جبران شده و چنین خدمت ارزنده و مخلصانه را به جامعه علم و تحقیق عرضه داشته است. ضمن تشکر از این خلایق و معرفت، باید عرض کنم که از شاهکارهای این مجله تحقیقی، حفظ اصول بی طرفی و اجتناب از بازیهای وحدت شکن سیاسی در مسائل فرهنگی است.

مصاحبه های روشنگرانه با اساتید گمنام و نامدار، احیاء و شناساندن میراثهای گرانبار فرهنگی پیشینیان و معاصران، واقعگرایی، صداقت و صراحت در نقد و تحلیل کتاب، انتقال ذخایر تجربه پژوهشگران معمر به پژوهندگان نوپا، از دیگر امتیازات این مجله است. آری آینه پژوهش، آینه وار نقیض ضعیف و قوت تألیفات را به مؤلفان بصیر و کمالجو و نقدپذیر و ارائه می دهد تا نخست بیندیشند و سنگینی بار گران تحقیق را تحمل کرده و تلخی تبیع را بچشند و سپس به تألیف و تصنیف پردازند. در خاتمه دعا و آرزوی توفیق برای عزیزان نویسنده آن مجله دارم.

محمد باقر شریعتی سبزواری



پژوهشیان، سلام علیکم  
شماره سوم مجله گرانقدر و بسیار سودمند شما را هم خواندم. دست مریزاد. همه

بخشهای آن خواندنی، جالب و جذاب بود. من مطمئن هستم که این مجله در پیرایش آثار نویسندگان اسلامی تأثیر بسزایی خواهد داشت.

نقد کتاب «مردان علم در میدان عمل» نشانگر اطلاعات دقیق و گسترده جناب امیری است؛ اما کسانی که تا این حد از فنون نویسندگی، بویژه تراجم بی خبرند، باید بدانند که این وادی نباید میدان قلم فرسایی آنها باشد. نویسنده ای که تا این اندازه از روش تحقیق بدور است، چگونه به خورد حق می دهد اثری به این بزرگی عرضه کند. و ناشر چرا؟

بخش بایسته های پژوهشی نیز بسیار خوب و رهگشاست. مجموعه سؤلهائی فقهی پزشکی را حضرت آیت الله صانعی مورد بحث قرار دادند که بسیار سودمند بود. گویا برخی دیگر از فقیهان نیز در جلسات درس به پاسخ فقهی این سؤلهها پرداخته اند. اگر در موضوعات مختلف دیگری نیز مسائل مستحدثه به همین گونه عنوان شود، بسیار سودمند خواهد بود.

حتماً می دانید آنهایی که ولنگاری نگارش و نشر را می پسندند تا خود نیز از تیغ نقد در امان باشند، از کار شما ناخرسند خواهند بود. اما آنانکه می کوشند افکار سالم و آثار پیراسته به دست خواننده برسد، استقبال خواهند کرد. باید نقد و بررسی گسترش یابد تا بدانجا که از صحنه نگارش و نشر، سُرقت ادبی و علمی و سربهوانویسی رخت بر بندد. و کوشندگان این راه حتماً مورد رضایت خداوند خواهند بود.

تلاشان مأجور و سعیتان مشکور باد  
علیمحمد خلیلی

# مرآة التحقيق

## الافتتاحية

بعرض سريع لحياة المحرم تعرض خلاله لمنهجه الفقهي.  
ثم القى نظرات فاحصة علي أحد كتب المغفور له في  
الفقه الاستدلالي تفصيلاً وبشكل تطبيقي.

في افتتاحية العدد المعنونة بـ [مرآة التحقيق] في العام  
الماضي، وضمن جردنا لحصيلة نشاطات المجلة في العام  
المنصرم، تحدثنا بأسهاب عن توجهات المجلة وخصائصها.  
تلقت نظر القراء و من بصدد المشاركة بمقالاتهم إلى  
ضرورة التسنن في افتتاحية العدد ييسر لهم هذه المهمة.

## أثر نفيس في الفقه الشيعي

هذه المقالة كئيبة بتعريف القاري على كتاب (النجمة في شرح  
اللمعة)، وهو من المؤلفات القيمة لآية الله العلامة الحاج  
الشيخ محمد تقي الشوشتري المعروف في اوساط الباحثين في  
العلوم الإسلامية.

في هذه المقالة، وضمن الإشارة الى مصنفات العلامة  
الشوشتري، تحدث الكاتب تفصيلاً عن كتاب النجمة، ونوه  
بمكائنه بين كتب الفقه الشيعي، واختتم مقاله بسرد  
لامتيازات الكتاب.

## من (نهج البلاغة) الأول الى (نهج البلاغة) الثاني

في هذا المقال، وبعد امعان النظر في (نهج البلاغة) الذي  
جمعه الشريف الرضي (رحمه الله)، شرح الكاتب في تقييم  
كتاب (نهج البلاغة) الثاني الصادر حديثاً.

وضمن عرضه لمحتويات هذا الكتاب، نبه الي بعض  
الأخطاء التي وقعت لجامع الكتاب في عمله هذا.

## اقترح

يتصدر المقال المعنون بهذا الاسم [باباً جديداً] في مجلة مرآة  
التحقيق (آينة پژوهش). وابتداءً من هذا العدد، تلقت المجلة  
انظار الكُتّاب الى الموضوعات المصدرة بهذا العنوان، وتطلب  
منهم أن يرسلوا مقالاتهم الي ادارة المجلة.

والموضوعات المقترحة في هذا العدد هي: اهمية وضرورة  
التسامح في المجال الفكري والثقافي، طريقة نقد الافكار  
[مناشيء]. المعارضة لنقد آثار كبار العلماء، التعصب و  
التسامح، النقد العلمي والاعلمي، خصائص النفس العلمي.

## المنهج الفقهي للمصلح الكبير آية الله البروجردي

في هذا المقالة بحث في المنهج الفقهي لسماحة آية الله العظمي  
السيد حسين الطباطبائي البروجردي و قد استهل الكاتب بحثه

## عشرون خطأ في ستاً وأربعين صفحة

المقالة المشار إليها تقيم كتاب التاريخ للصف الثاني من المرحلة الدراسية التوجيهية، واثناء نقده للكتاب اشار كاتب المقال الي عشرين خطأ تاريخياً فاحشاً وقعت ضمن ستاً واربعين صفحه.

## درسات في طور الاصدار

ذُيل هذا العنوان بعدد من الكتب المرتقب صدورها وقد ألقيت نظرة سريعة علي محتوياتها و منهج البحث فيها، و هذا الكتب هي: فهرست الاعمال المصنفة حول القران الكريم، التاريخ الاجتماعي و الثقافي لشبيعة الهند، تحقيق جواهر الكلام، المعجم المفهرس لالفاظ من لايحضره الفقيه، الهداية القرآنية، و كتب اخري.

## مستلزمات البحث

### تاريخ فرشته

في هذا المقال، واثناء عرض الكاتب لما تضمنته كتاب (تاريخ فرشته) من تأليف (محمد بن قاسم هندوشاه)، و بعد التأكيد علي قيمة الكتاب في اماطة اللثام عن تاريخ سلاطين الهند المسلمين، أوصى الكاتب بضرورة اخراج الكتاب في طبعة علميه محققة.

و في نهاية المقال، اشار الكاتب الي نسخ الكتاب الخطية منها و المطبوعة.

## التجارب

لقاء مع العلامة السيد محمد حسين فضل الله يُعدُّ آية الله السيد محمد حسين فضل الله من الكتاب الإسلاميين المعروفين و المنهمكين بالعمل الرسالي، و شخصية بارزة في مجال التوعية و التوجيه. و قد التقيناه في هذا العدد و تطرَّق الحديث معه الي الموضوعات التالية:

مؤلفاته و منهجه في التفسير، تاريخ الشيعة، الكتب الدراسية المقررة في الحوزة العلمية، اسهاماته الكتابية في الصحف و الدوريات العربية، و قضايا مشابهة اخرى.

## المؤسسات العلمية والثقافية

في هذا القسم نعرّف مركز الدراسات و البحوث الإسلامية التابع لـ (دفتر تبليغات اسلامي في حوزة العلمية - قم). في تعريفنا بهذا المركز نقدم تقريراً مفصلاً عن اقسامه و نشاطاته المختلفة.

## الاصدارات والاعمال الجديدة

هذا الفصل من المجلة يتألف من ثلاثة اقسام:

### ١- بيانات مجملة

تحت هذا العنوان قدم عرض سريع للكتب التالية:

مفردات القران الكريم، الغيبة، ولاية الفقيه و فقه الدولة الاسلامية، دروس في الفقه المقارن، مقباس الهداية، في ذكرى الراحل محمد تقي شريعتي، عشائر العراق، المبادئ الفلسفية للعلوم الحديثة. مجموعة من المقالات عن الخليج الفارس

### ٢- بيانات وصفية

تحت هذا العنوان تمّ عرض الخصائص الجغرافية لعشرات الكتب ضمن فهرس (= كشافات) موضوعية.

### ٣- نخبة من البحوث و المقالات العلمية

و اخيراً، تحت هذا العنوان تم عرض (فهرس = كشاف) بالمقالات العلمية و الثقافية لعدد من الاصدارات.



are ready for publication are mentioned, and a digest of each book along with an explanation of the method of research used in each one is given.

The books in this issue are:

- \* The Great Bibliography of the Quran.
- \* The sociological And the Intellectual History of the Indian shias.
- \* Tahghigh-e-Jawaher-ul-kalam
- \* Al-Moejam-ul-Mofahres-le-Alfaz-e-Manla-yahsorohol-Faghihe.
- \* Al-Hedayat-ul-Qurannieh, and few other books.

### **MUST BE RESEARCHED**

The book "Tarikh-e-Fereshteh" written by Muhammad-ibn-Ghasem Hendushah is presented in this issue, and the importance of this book in writing the history of Islamic kings is shown. The article also shows the necessity of research to be under taken on this book. At the end, some of the hand written and printed copies of the book are named.

### **AN INTERVIEW WITH SEYYED MOHAMMAD HOSSEIN FAZLULLAH**

Ayattullah Seyyed Mohammad Hosssein Fazlullah is a famous Islamic writer and combatant whose presence is enlightening to all.

In this issue, we were fortunate to

have an interview with him and talk about the following points, his books and his method of interpretation, shia history, study books in the theological centers, his cooperations with Arabic publications, and some other issues.

### **SCIENTIFIC AND CULTURAL CENTERS**

Islamic Research AND Studies Center of the Propagation Office in Qom is introduced in this issue. Different departments and their activities are mentioned.

### **NEWLY PUBLISHED**

This section of the magazine contains three parts:

- 1- Brief introductions, A Dictionary of the Quran, Al-Ghaiba, Welayat-ul-Faghih  
-wa-Feghh-u-Dulat-el-Islamieh, Dorus- Fel Feghh-el- Mogharen, Meghbas-ul- Hedaya, In Memory of the late Mohammad Taghi Shariati, Ashaer-ul-Aragh, A collection of articles on the persian Gulf.
- 2- Reporting: in this part bibliographical listing of tens of books is provided.
- 3- A selection of scientific and research articles is presented.



## IN THE NAME OF ALLAH

### **EDITORIAL**

The editorial in this issue is devoted a review of Ayeneh pazhoohesh in the past year.

Policies of the magazine are also discussed in detail. Reading of this editorial is highly recommended for all readers, particularly those who want to send articles to the magazine.

### **IMPROVISATION**

Starting in this issue a new section called "Improvisation" is added to the magazine. In each issue variety of subjects are listed so that the interested writers can send in their relevant articles to the magazine for printing.

### **AYATULLAH BOROUJERDI'S METHOD IN JURISPRUDENCE**

In this article, first a brief biography of that great man and his method in jurisprudence is given, then, a book written from his lessons in jurisprudence is used to analyze his method.

### **NOJAH, A RARE WORK IN SHI'A JURISPRUDENCE**

An introduction to the book "Al-Nojat -o- fi- sharh-el- Lomeh is

presented in this article.

This book was written by Ayatullah Allameh Haj sheikh Mohammad Taghi Shushtari. He is well known in the research community of theological centers, while referring to his other works, the article analyzes the above mentioned book and shows it's place in the books written on shia jurisprudence. Finally, special characteristics of the book are mentioned.

### **FROM THE FIRST NAHJUL BALAGHA TO THE SECOND**

After an examination of the original Nahjul Balagha by Seyyed Kazi, the newly published book "Nahjul Balagha-al Thani" is evaluated and some of the errors of the writer are shown.

### **TWENTY ERRORS IN FORTY SIX PAGES**

In this article, the second year of junior High school History book is reviewed and some twenty blatant historical errors are pointed out.

### **READY TO BE PUBLISHED RESEARCH WORKS**

In this section, a number of books that

# AYENEH-E-PAZHOOHESH

**PATRON: MOHAMMAD ABAEE  
KHORASANI**

**MANAGING DIRECTOR: MUSTAPHA  
DERAYATI**

**CHIEF EDITOR : MOHAMMAD ALI  
MAHDAVI RAAD**

**EDITOR: ABD-UL MOHAMMAD NABAVI**

**VOL. 2 NO. 1**

**(JUNE – JULY 1991)**

Ayeneh-e-Pazhoohesh (Mirror of Research) is a bi-monthly magazine, published for improving research and publishing works through information dissemination.

## AYENEH PAZHOOHESH CONTAINS:

-Articles which can putforth modes of scientific researches or have some relation to the aims of magazine, as stated below.

\* Introduction to texts that need to be corrected or translated or are suitable for research.

\* Introduction and criticism of research and specialized books.

\* Reports about translations, editing, and text corrections on hand.

\* A brief introduction of new books and research articles of variety of magazines.

\* Relating the experiences and guidelines of researchers and editors.

\*Introducing scientific and cultural centers along with their goals.

\* Subjective bibliography.

\* Research and cultural news.

## NOTES:

\* The subjects in Ayeneh Pazhoohesh will be only about Islamic culture.

\* The responsibility for opinions expressed is on writers.

\* Ayeneh-e-Pazhoohesh is free in its editing.

\* The articles received are not returned.

\* All those articles which have scientific and research values will be published.

\* The length of articles should not exceed thirty pages.

Also the length of reviews should not exceed twenty hand written pages.

Price for one years subscription (6 Issues)

Arabic and European countries \$ 30

Asia and Africa \$ 33

U.S. A. and Australia \$ 37/5

Post expenses are calculated.

Please send the subscription by post insurance

ADDRESS: P.O.BOX: 37185/3693 QOM-IRAN

TELE: (0251) 26692-32048.

# مرآة التحقيق

المتخصصة في علم الكتب و نقد الكتاب و إيلاغ المعلومات  
في دائرة الثقافة الإسلامية

AYENEH-E-PAZHOOHESH

(Mirror of Research)

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی

VOL. 2 NO. 1 (JUNE – JULY 1991)